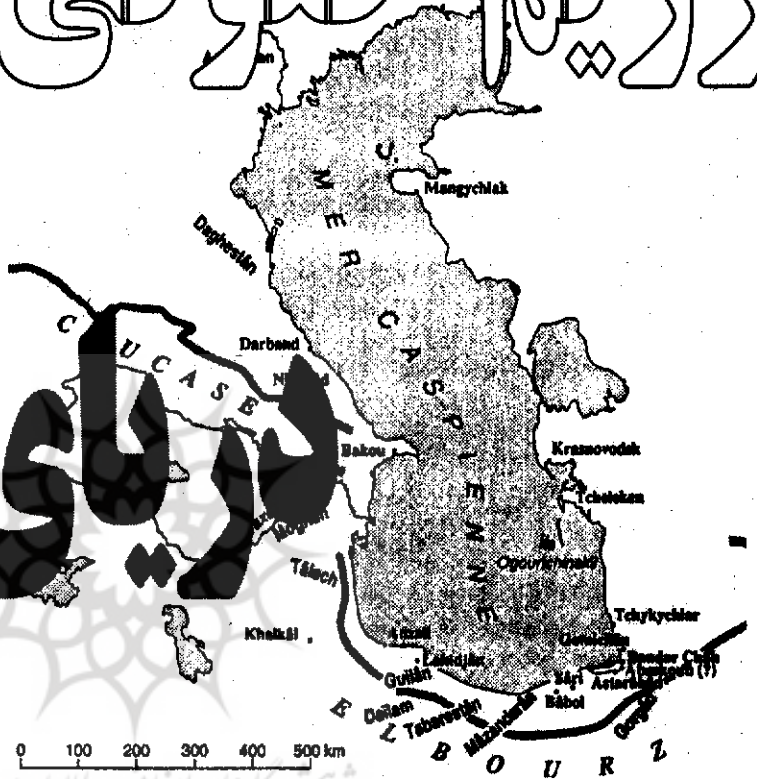


رژیم حقوقی

خزر

دریای



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

درآمد

در شماره‌ی پیشین ماهنامه‌ی حافظ مقاله‌ای با عنوان «رژیم حقوقی دریای خزر از دیدگاه جانشینی دولت‌ها» (به قلم همکار رجمندمان، آقای دکتر محمدرضا ضیایی بیگدلی، استاد دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی) به خوانندگان تقدیم کردیم. اینک اظهارنظر کارشناسانه‌ی تعدادی دیگر از ستادان حقوق و علوم سیاسی را در این باب که بخش عمده‌ی

آن‌ها قبلاً در رسانه‌های جمعی مختلف و بویژه در همایشی که از سوی کمیسیون امور بین‌الملل کانون وکلای دادگستری مرکز در دانشگاه تهران برگزار شد، مطرح گردیده است، به عرض ملت ایران می‌رسانیم. در مطبوعات فارسی برون مرزی نیز در این ابواب، مطالب و مقاله‌های متعددی منتشر شده است که ما در داخل کشور قادر به نقل آن‌ها نیستیم. در نقل اظهارنظرها، هیچ‌گونه سلسله‌مراتبی - جز

اولویت در اطلاع‌رسانی و آغاز از کلیات - رعایت نشده است.

یوسف مولایی

دکتر یوسف مولایی، استاد روابط بین‌الملل دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران:

دوره‌ی اول تعیین رژیم حقوقی دریای خزر از سال ۱۷۲۳ با قرارداد «سن پترزبورگ» و قرارداد رشت ۱۷۲۹، ۱۷۳۲ و ۱۷۳۵ آغاز شد که در این دوره دو کشور ایران و روسیه‌تزاری، موافقت کردند

به کشتی‌هایی که در دریای خزر دچار آسیب می‌شوند، کمک کرده و از چپاول و غارت کالاهای کشتی جلوگیری کنند.

در دوره‌ی دوم که با عهدنامه‌ی گلستان و ترکمانچای در سال‌های ۱۸۲۳ و ۱۸۲۸ آغاز می‌شود، روسیه با اتکا به شکست ایران در جنگ با روسیه، از تردد کشتی‌های نظامی ایران در دریای خزر ممانعت می‌کرد.

دوره‌ی سوم با عهدنامه‌ی مودت در سال ۱۹۲۱ آغاز شد که در آن شوروی سابق اعلام

کرد: تمام امتیازاتی که در طول دوره‌ی حکومت تزاری و امپراتوری روسیه از ایران کسب شده، کان لم یکن تلقی می‌شود، بنابراین آن دسته از امتیازاتی که به دنبال جنگ‌های ایران و روسیه با عهدنامه‌ی گلستان و ترکمانچای از ایران گرفته بود، ملغی کرد و در نتیجه ایران هم مانند شوروی سابق حق مساوی در بهره‌برداری و کشتی‌رانی در خزر را به دست آورد.

معاهده‌ی ۱۹۴۰ بر حق کشتی‌رانی مساوی هر دو کشور ایران و روسیه تصریح دارد. براساس قراردادهایی که قبل از فروپاشی شوروی سابق بسته شده، در هیچ جایی بحث تقسیم دریای خزر مطرح نبوده و در تمامی معاهدات، حق تساوی ایران و روسیه مورد توجه قرار گرفته است.

پس از فروپاشی شوروی سابق، ایران و روسیه تا سال ۱۹۹۷ به اقدامات یک‌جانبه‌ی آذربایجان و قزاقستان معترض بودند، اما پس از این تاریخ شاهد چرخش در سیاست‌های روسیه به سمت حفظ منافع خود و حتا به ضرر ایران هستیم و در این رابطه اولین سند یا اعلامیه را با قزاقستان در سال ۱۹۹۸ در خصوص تقسیم بستر و زیربستر دریای خزر امضا کرد که این سند از سال ۲۰۰۰ لازم‌الاجرا و نهایی شد.

در پی قراردادهای دو یا سه‌جانبه میان آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان، متأسفانه رژیم حقوقی دریای خزر که براساس معاهدات

۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ استوار بود، مورد بی‌توجهی قرار گرفت و در حال حاضر با توجه به این که در مورد ۴۹ درصد دریای خزر کار تقسیم حدود انجام گرفته است، مسأله بین سه کشور آذربایجان، ترکمنستان و ایران در مورد تحدید حدود ۵۱ درصد از دریای خزر جریان دارد.

به‌رغم آن که از نظر حقوقی معاهدات ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ شرایط بهتری برای ایران تعریف می‌کند، اما ما نتوانستیم از اعتبار این دو معاهده استفاده کنیم و در نهایت گام به گام به عقب رانده شدیم و در حال حاضر در بهترین شرایط شاید به ۱۵ یا ۱۶ درصد از دریای خزر دست پیدا کنیم و در بدترین شرایط نیز ۱۳/۵ درصد نصیب ما خواهد شد.

البته وزارت امور خارجه در تلاش است با به‌کارگیری شیوه‌های جدید، سهم ایران را به ۲۰ درصد برساند، اما این آرمان دست‌نیافتنی است و بهترین شیوه‌ی دفاع از منافع ایران، تکیه بر معاهدات ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ و تفسیر علمی این دو معاهده است. مشکل ما در رژیم حقوقی دریای خزر، بحث تفسیرها و دیدگاه‌هاست که نوع نگاه مثبت به این مسأله می‌تواند به ما کمک زیادی کند و البته در این مسأله نباید تنها دانش و بحث آکادمیک مطرح باشد. اگر ما تنها به موقعیت جغرافیایی اکتفا کرده و نقش حقوق دانان را در این مسأله نادیده بگیریم، یقیناً به سهم حقیقی خود هم نخواهیم رسید.

سعید ملک‌زاده

سرتیپ دکتر سعید ملک‌زاده، معاون اسبق وزارت دفاع و استاد علوم دفاعی و استراتژیک:

در سال‌های اخیر و پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و افزوده شدن جمهوری‌های جدید به دولت‌های ساحلی دریای خزر و شروع فعالیت‌های مستقل در زمینه‌های ماهیگیری و کشتی‌رانی و به‌خصوص بهره‌برداری‌های بی‌رویه‌ی یک طرفه و ناحق از منابع عظیم نفت و گاز و همچنین تلاش برای تقسیم آن میان کشورهای ساحلی و تعیین حدود و یا حتا استفاده‌ی مشترک به نسبت‌های مساوی میان این کشورها، حقوق حقه‌ی ایران در معرض تضییع قرار گرفته است.

با توجه به این که این موضوع به منافع ملی، حیات اقتصادی و تمامیت ارضی ما مربوط می‌شود، لذا باید با استفاده از تمامی فرصت‌ها و با استناد به مدارک و اسناد و سوابق موجود، ثابت کنیم که جمهوری اسلامی ایران در دریای خزر با سهم ۵۰ درصد و به‌صورت مشترک و مشاع، البته با احترام به حق انحصاری ماهیگیری در ده مایلی ساحلی سهم می‌باشد و اگر به کم‌تر از این مقدار رضایت بدهیم، به همان میزان، حقوق مسلم خود را در این دریای خزر از دست داده‌ایم.

طبق موازین حقوق عمومی در حقوق بین‌الملل، جمهوری‌های استقلال‌یافته‌ی

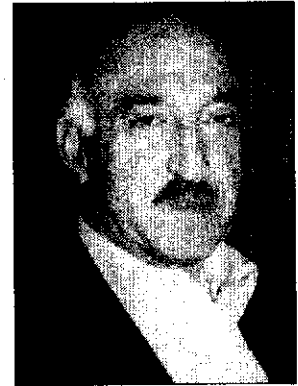
شوروی سابق، باید به مفاد معاهدات ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ رژیم حقوقی دریای خزر پای‌بند باشند که متأسفانه به‌رغم تعهدات رسمی و موازین حقوقی، جمهوری‌های ساحلی خود را نسبت به رژیم حقوقی و معاهدات منعقد بین ایران و شوروی سابق متعهد نمی‌دانند. عهدنامه‌ی مودت در سال ۱۹۲۱ که میان ایران و شوروی منعقد شد، تمام حق و حقوق دو کشور در دریای خزر را به‌صورت مساوی تقسیم می‌کرد، اگرچه شوروی بارها این معاهده را نقض کرده و سهم ایران در مسائلی چون حضور نیروهای نظامی در این دریای خزر مطرح نبوده و در تمامی معاهدات، حق تساوی ایران و روسیه مورد توجه قرار گرفته است.

در سال ۱۹۴۰ نیز، معاهده‌ی دیگری با عنوان قرارداد بازرگانی میان ایران و شوروی منعقد شد که حق کشتی‌رانی میان دو کشور را به رسمیت می‌شناخت و حق ماهیگیری میان دو کشور را به نحو عادلانه‌ای تقسیم می‌کرد. اگر در سال ۱۹۴۹ که شوروی سابق از حوزه‌ی نفتی ماکو نفت استخراج کرد، ایران حق خود را مطالبه می‌کرد، اکنون با این مشکلات مواجه نبودیم و اکنون این سوال مطرح است که چرا ایران علیه اتحاد جماهیر شوروی سابق در این باره اقدامه دعوی نمی‌کند؟

تحدید حدود یا هر تقسیم حقوقی دیگری غیر از تقسیم مشاع و مشترک، منجر به تضییع حقوق ایران می‌شود، ما در فروپاشی شوروی چه نقشی

داشتیم که باید با تقسیم آن به چهار کشور، سهم ما از یک‌دوم به یک‌پنجم برسد؟

عبارت تعیین رژیم حقوقی دریای خزر به هیچ عنوان درست نیست، زیرا رژیم حقوقی این دریا قبلاً تعیین شده و بهتر است به جای آن عبارت تحکیم رژیم حقوقی دریای خزر مطرح شود.



داوود هرمیداس باوند

دکتر داوود هرمیداس باوند، استاد دانشگاه، کارشناس روابط بین‌الملل و عضو هیأت مشاوران علمی ماهنامه‌ی حافظ:

تعاملات در نظام بین‌الملل امروز بر دو پایه و بنیان حقوقی و سیاسی (یکی اصل برابری و حاکمیت دولت‌ها و دیگری سلسله‌مراتب قدرت‌ها) استوار است.

اصول حقوقی بین‌المللی جامع و مانع و قواعد کاملی در مورد دریاچه‌ها وجود ندارد، لذا در خصوص تحدید حدود دریاچه‌ها، سه رویه: تقسیم کامل بین دولت‌های ساحلی، تقسیم برابر و تقسیم مشاع وجود دارد و بارزترین شکل تقسیم مشاع به صورتی است که طرفین در تمام اجزا دارای

حقوق مشترک هستند و استفاده‌ی یکی از طرفین از امکانات یک دریاچه، با موافقت دیگری میسر است.

روسیه به دلایل امنیتی و سیاسی، خواهان تقسیم دریای خزر که محدودیت‌های را برای کشتی‌رانی و ناوگان‌های آن کشور فراهم خواهد کرد، نیست. ایران با اتخاذ یک تصمیم عجولانه، خواستار تقسیم مساوی دریای خزر میان کشورهای ساحلی آن شد، اما این پیشنهاد مورد استقبال این کشورها قرار نگرفت، زیرا مثلاً قزاقستان که بیش‌ترین سهم را در دریای خزر دارد، قبول نخواهد کرد با کشور دیگری که سهم کم‌تری دارد به یک اندازه از این دریا بهره‌برود.

ایران به استناد معاهدات ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ دارای حقوق برابر و مشترکی از دریای خزر است، لذا اگر دولت ایران نتواند به حداقل حقوق خود از دریای خزر یعنی ۲۰ درصد از کل دریا برسد، تنها راه حل این مشکل، ارجاع مسأله به دیوان بین‌المللی دادگستری است.

مهدی صفری

دکتر مهدی صفری، نماینده‌ی ویژه‌ی ایران در امور دریای خزر و سفیر سابق ایران در مسکو:

ایران از نظر کشتیرانی و شیلات، با چهار کشور ساحلی دریای خزر به تفاهم رسیده، اما از نظر تقسیم منابع انرژی در زیر بستر دریا، با آن‌ها اختلاف دارد.

۱- موضع روسیه تقسیم مشاع سطح دریا و تقسیم زیر بستر دریاست.

۲- موضع قزاقستان، تقسیم مشاع سطح دریا و زیر بستر دریاست.

۳- موضع جمهوری آذربایجان نیز همانند روسیه و قزاقستان است.

۴- موضع ترکمنستان، تقسیم کامل دریای خزر است.

۵- موضع ایران، تقسیم مشاع دریای خزر است. یعنی استفاده‌ی مشترک همه‌ی کشورهای ساحلی از منابع دریای خزر تحت یک رژیم حقوقی مشاع است.



بهمن کشاورز

بهمن کشاورز، رییس کانون وکلای دادگستری مرکز:

زمانی ما با شوروی سابق براساس معاهده‌ها و پیمان‌نامه‌های مشخص در این دریا، مشارکت داشتیم، یعنی در حقیقت قبل از فروپاشی شوروی سابق، تنها این کشور و ایران از کشورهای ساحلی دریاچه‌ی

خزر به‌شمار می‌رفتند و حق داشتند که از تمام امکانات آن استفاده کنند، اما پس از فروپاشی شوروی سابق، سه کشور دیگر یعنی آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان نیز به جمع کشورهای ساحلی دریاچه‌ی خزر پیوستند. اکنون که تعداد کشورهای ساحلی این دریاچه‌ی بزرگ جهان افزایش یافته است، پس ما هم باید با تفکر و سیاستی مطلوب و به دور از احساسات، با این قضیه برخورد کرده و حق و حقوق خود را مطالبه نماییم.

مهرداد ناظمی

دکتر مهرداد ناظمی، عضو هیأت علمی دانشگاه:

در صورت مشخص نشدن وضعیت حقوقی دریای خزر از طریق توافق هفت کشور ساحلی، ارجاع پرونده به دیوان بین‌المللی دادگستری، به عنوان یکی از مراجع داوری بین‌المللی، بهترین راه حل است.

سیدحسین امین

پروفسور دکتر سیدحسین امین، استاد پیشین کرسی حقوق دانشگاه گلاسگو کالیدونیا و عضو دانشکده‌ی وکلای دادگاه‌های عالی اسکاتلند:

اصل حاکم بر رژیم حقوقی دریای خزر، معاهده‌های ایران و شوروی مورخ ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ است که با توجه به اصل جانشینی دولت‌ها The Succession of States بر کشورهای قبلی که پس از فروپاشی شوروی سابق، به

پیروز مجتهدزاده

دکتر پیروز مجتهدزاده،
مدرس دانشگاه و مدیرعامل
بنیاد پژوهشی یوروسویک؛

پیگیری وضعیت حقوقی
ایران در دریای خزر، در
سال‌های گذشته دچار مشکلات
عمده‌ای بوده است. این امر
عمدتاً ناشی از دو عامل
متفاوت، ولی همزمان بوده
است: از یک‌سوی، سیاست‌های
ستیزه‌جویانه‌ی ایالات متحده
برای منزوی کردن ایران در
منطقه مؤثر بوده و از سوی
دیگر، پی‌گیری مباحثی

اغراق‌آمیز از سوی کسانی که
حقوق ایران را در خزر در غالب
افزون‌خواهی‌هایی طرح کرده‌اند،
همانند تعلق نیمی از دریا به
ایران و یا لزوم تقسیم دریا به
پنج سهم مساوی میان پنج
کشور کرانه‌ای، که عملاً انزوای
ایران را در منطقه تشدید کرده
است. در حالی‌که در مورد
نخست، نشانه‌هایی از بهبود
شرایط در دست است، و در
مورد دوم نیز این توجه حاصل
شده است که افزون‌خواهی
می‌تواند به مواضع و حقوق
ایران در خزر لطمه وارد آورد.
هنوز دیده می‌شود که برخورد
افسانه‌ای و افزون‌خواهی‌های
زیان‌بار که طرحش فقط
می‌تواند پی‌گیر آرمان‌های
شخصی باشد، جایی در
مطبوعات کشور دارد.

مسأله‌ی اصلی مورد بحث
در رابطه با «رژیم حقوقی»
دریای خزر، این است که این
پدیده‌ی جغرافیایی یک
«دریاچه» است، نه یک دریای



ناصر تکمیل‌همایون

دکتر ناصر تکمیل‌همایون،
عضو هیأت علمی پژوهشگاه
علوم انسانی و مطالعات
فرهنگی؛

رژیم حقوقی دریای
مازندران را استادان حقوق
تشریح کرده‌اند. من می‌گویم که
برابر قرارداد ۱۹۲۱ حقوق ایران
و شوروی بالمناصفه بود، اگر
سهم ایران دوازده درصد شود،
قرارداد ترکمانچای دومی بر ما
تحمیل شده که مقبول
استقلال‌طلبان نیست.
کشورهای تازه‌استقلال یافته در
حالی‌اند که رشته‌های وابستگی
اقتصادی آن‌ها از روسیه به‌طور
کامل بریده نشده است. شرکت
همه‌ی کشورهای پیرامون
دریای مازندران در سازمان
دیگری به‌عنوان یک اوپک
کوچک در جهت استفاده از
منابع و ذخایر زیرزمینی می‌تواند
«امیدهای نو» برای همه‌ی
مردم آسیای مرکزی و آسیای
غربی و قفقاز فراهم آورد.

این کشورها باید رژیم
حقوقی دریاچه‌ی خود را تنظیم
کنند و با شرکت دادن هر پنج
کشور در این دریاچه، منشور
زندگی مسالمت‌آمیز برای
همه‌ی ساکنان منطقه فراهم
آورند.

دوجانبه با کشورهای ساحلی
خلیج فارس معین کرد. اما جو
سیاسی آن زمان چنان بود که
غرب، از ترس نفوذ شوروی در
عراق و یمن و عمان، حتا از
لشکرکشی محمدرضا شاه به
ظفار پشتیبانی می‌کرد. بر همین
اساس، ایران توانست حقوق
خود را در ارون‌درود استیفا کند و
صدام‌حسین را به امضای
قرارداد ۱۹۷۵ مجبور سازد. اما
امروز ۲۵ سال است که دولت
ایران، شعار مرگ بر امریکا سر
می‌دهد و آن را در اوضاع
تک‌قطبی‌شدن جهان ادامه
می‌دهد.

لذا ایران باید ضمن حل
مشکلات خود با جامعه‌ی
بین‌المللی، با قاطعیت به دفاع از
منافع ملی و مواضع حقوقی
ایران بپردازد و اگر توفیق
نیافت، به دیوان بین‌المللی
دادگستری مراجعه کند تا
براساس اصول حاکم بر تحدید
حدود دریاها و دریاچه‌ها، سهم
ایران در مقابل دیگر کشورهای
ساحلی تعیین شود. اصل اصیل
این است که ذخائر و منابع
دریاها و دریاچه‌ها باید حسب
اصول منصفانه
Equitable Principles تحدید
حدود شود. البته ایران باید برای
تقسیم منابع بستر و زیربستر
دریا، شرایط جغرافیایی سواحل
ایران از جمله تقعر ساحل، طول
کلی سواحل، طول سواحل
تأثیرگذار، تمرکز و پراکندگی
منابع نفتی را که تحت عنوان
«شرایط خاص»
Special Circumstances در
تحدید حدود بستر دریاچه‌ها
برابر حقوق دریاها منظور
می‌شود، به سود خود، مورد
استناد قرار دهد.

استقلال رسیده‌اند، حاکم است.
یعنی همان‌طور که اگر من
خانه‌ای داشته باشم و بعد
همسایه‌ی دیواربه‌دیوار من
بمیرد و فرزندان متعدد از خود
به‌جای بگذارد، این وارثان
همسایه‌ی مرحوم من نمی‌توانند
مدعی شوند که چون تعداد
ایشان بیش‌تر شده، باید قسمتی
از خانه‌ی مرا تصاحب کنند،
همین‌طور دولت‌های جانشین
شوروی سابق هم حق ندارند از
حقوق ایران در دریای خزر
چیزی کسر کنند.

التهایه، واقعیت امر این
است که مسائل دریای خزر،
تنها بُعد حقوقی ندارند، بلکه از
مسائل سیاسی نیز متأثرند.
بی‌هیچ شک و تردیدی، امریکا
و جهان غرب از کشورهای
تازه‌استقلال‌یافته‌ی حوزه‌ی
دریای خزر به این دلیل حمایت
می‌کنند که منافع خود را در
حناقل شدن سهم ایران تلقی
می‌کنند. اگر اوضاع سیاست
جهانی امروز را با دهه‌ی ۱۹۷۰
و چه‌گونگی احقاق حقوق ایران
در دریای خزر را در بعد از
فروپاشی شوروی سابق در
دهه‌ی ۱۹۹۰ با احقاق حقوق
ایران در خلیج فارس در دهه‌ی
۱۹۷۰ مقایسه کنیم، آن‌وقت
تأثیر چشم‌گیر مسائل سیاسی را
در مسائل حقوقی نیک
درمی‌یابیم. در ۱۹۷۱، پس از
تصمیم انگلیس به تخلیه‌ی
خلیج فارس و تشکیل دولت
امارات متحده‌ی عربی U.A.E،
دولت ایران جزایر سه‌گانه‌ی
ابوموسی، تنب بزرگ و تنب
کوچک را به تصرف خود گرفت
و با قاطعیت برابر اصول تحدید
حدود فلات قاره، مرزهای آبی
خود را ضمن قراردادهای متعدد

باز یا آزاد که مشمول تعاریف موجود در کنوانسیون‌های بین‌المللی شود. با این حال، به‌عنوان بزرگ‌ترین دریاچه‌ی جهان که از بسیاری از دریا‌های باز بزرگ‌تر است، با پنج کشور بر‌گرددش، خزر نمی‌تواند مشمول تعاریف رژیم حقوقی شود که برای برخی از دریاچه‌های کوچک واقع شده میان دو کشور وجود دارد، بلکه نیازمند تعاریف ویژه‌ی خود است. در موقعیتی چنان بی‌همتا و شکننده، ادامه‌ی بهره‌گیری از منابع طبیعی این دریا در غیاب دستورالعملی که حق و حقوق کشورهای کرانه‌ای در آن روشن شده باشد، می‌تواند کشمکش‌هایی جدی را سبب گردد. اقدام قاطع ایران در تابستان ۲۰۰۱ برای جلوگیری از عملیات اکتشافی جمهوری آذربایجان در مناطقی که ایران متعلق به خود می‌داند، شرایطی را فراهم آورد که در صورت عدم حسن‌نیت دو طرف، می‌توانست مورد بهره‌برداری صاحبان اهداف ستیزه‌جویانه در منطقه واقع شود. این اقدام، در حقیقت، به‌معنی متوقف کردن تصمیم‌های یک‌جانبه‌ی دیگر دولت‌های خزری بوده است. در اجرای برنامه‌های خودسرانه در راستای استفاده از منابع طبیعی در مناطق مورد اختلاف خزر، در همان حال شایان توجه است که اگرچه هر یک از تلاش‌های سیاسی، اقتصادی، استراتژیک و ژئوپولیتیک یادشده، تأثیر ویژه‌ای بر عدم دسترسی به تفاهم و توافق میان کشورهای کرانه‌ای خزر داشته است، علت

اصلی عدم پیشرفت در حل مسأله جغرافیای سیاسی و رژیم حقوقی این دریا را باید در عدم صداقت میان دولت‌های خزری و پیگیری اهداف افزون‌خواهانه از سوی آن‌ها جست‌وجو کرد. با این حال، درک این حقیقت اهمیت دارد که در غیاب هرگونه پیشرفت در راستای رسیدن به توافق‌های پنج‌گانه

برای تعیین رژیم حقوقی همه‌پسند خزر، روی آوردن به توافق‌های دوجانبه می‌تواند وضعیت موجود را از بن‌بست خارج سازد و می‌تواند زمینه‌هایی فراهم آورد که براساس آن بتوان از مجموع پنج مورد توافق‌های دوجانبه‌ی حاصل شده، راه را برای رسیدن به توافق پنج‌جانبه هموار نمود.

مشروط بر این که توافق‌های دوجانبه از حدود تقسیم مناطق دریایی مجاور خط کرانه‌ای کشورهای تجاوز نکرده و مناطقی را دربرنگیرد که از دید تعاریف مرسوم، مربوط به «آب‌های کرانه‌ای» و «آب‌های بین‌المللی» در ورای محدوده دریای سرزمین کشورها قرار گیرد.

